

آشنایی نسبتاً طولانی مدت محمد الهندی با خصایص و روحیات شهید شقاقی ایجاب می‌کند که شناختی دقیق از این شهید بزرگوار داشته و به نکات باریک و ظریفی در این زمینه اشاره داشته باشد. او که هم‌زمان شقاقی محسوب و دیدگاه این شهید را برگرفته از فهم و درک صحیح او از تاریخ و سیره نبوی می‌داند، انتفاضه را بخشی از رویای بزرگ این شهید می‌داند که به حقیقت پیوست. او در مطالبی که در زیر می‌خوانید تلاش می‌کند تا روح بلند شهید شقاقی را که امیدوارانه آینده‌ای روشن برای سرزمینش که آن را حق مسلم مردم فلسطین و جهان اسلام می‌دانست بیشتر بشناساند.

محمد الهندی، یکی از رهبران جنبش جهاد اسلامی فلسطین، هم‌زمان شهید



## شقاقی در برقراری ارتباط با دیگران بسیار شفاف و واضح عمل می‌کرد...

به صورت دست‌نویس تکثیر کرده و در حد توانایی منتشر کردیم.

مرحله مطالعات متفرقه را شهید فتحی شقاقی ادامه داد. او توجه خاصی به خواندن شعر، ادبیات، تاریخ، سیاست و پیگیری فصلنامه‌هایی چون «السیاسه الدولیه»، «الطلیعه»، نیویورک تایمز و غیره داشت.

این البته بر خلاف خواسته‌هایی بود که مبلغان داشتند و تأکید می‌کردند. مطالعات تنها بر روی قرآن و سیره نبوی باشد و این مسأله توسط برخی از رهبران جنبش اسلامی تأکید می‌شد.

این مسأله به خودی خود باعث شده بود که جریانی در داخل جنبش اسلامی با عنوان جریان مناقشه و مجادله و پرسش به خصوص در مورد موضع فلسطین در طرح اسلامی معاصر شکل گیرد. با ادامه خوانش‌های عمیق شهید و تلاش برای فهم بیشتر به خصوص در رابطه با تاریخ و واقعیت‌های سیاسی امت شهید فتحی شقاقی شعار (فلسطین مسأله مرکزی جنبش اسلامی) را اعلام کرد. او در این اعلام از تفسیر برخی از آیات قرآن و فهم تاریخ و واقعیت‌ها نشان گرفت.

در آن زمان این نوع شعار با واکنش‌های شدیدی روبرو شد. زیرا در آن زمان جنبش اسلامی خواستار تشکیل دولت اسلامی و از سرگیری حکومت و خلافت اسلامی در هر جایی بود. مسأله‌ای که باعث شده بود جایگاه جنبش اسلامی فلسطین در روبرویی و مقاومت حداقل برای مدتی تحت تأثیر آن قرار گیرد. این‌جا بود که شعار مرکزیت فلسطین در فعالیت‌های جنبش اسلامی به شعار اصلی جنبش جهاد اسلامی و بعد از آن دیگر جنبش‌های اسلامی فلسطینی مبدل شد. شهید فتحی شقاقی با توجه به فهم و درکی که از تاریخ و سیره نبوی داشت اعتقاد بسیار زیادی به نقش مردمی یا امت پیدا کرده بود و همواره رؤیای حضور گسترده مردم را در صحنه داشت. او در این چارچوب تلاش

ناهار را در قاهره و شام را در دمشق خواهد خورد. این نوشتارها بازتاب وسیعی در جامعه مصر داشت و حتی انور السادات رئیس‌جمهور وقت مصر در یکی از سخنرانی‌هایش به آن پرداخت. زمانی که امتحانات سال اول دانشگاه آغاز شد من و شقاقی تنها دانشجویان فلسطینی بودیم که با درجه عالی قبول شدیم این در حالی است که همگی پیش‌بینی می‌کردند ما هم جزو رد شده‌ها باشیم. این مسأله باعث شد که از آن به بعد بسیاری از دانشجویان به خانه ما بیایند از این رومن و دکتر فتحی سعی کردیم علاوه بر چای و قهوه با شربت‌های دیگری همچون بارهنگ و زنجبیل از دانشجویان استقبال کنیم که این هم خود عامل دیگری برای افزایش مهمانان ما شد. در مرحله تأمل و مطالعه شهید شقاقی در منزل یکی از دوستان مصری‌مان کتاب «ما بعد النکتین» را که یک پژوهش کوچک نوشته «توفیق الطیب» که در آن زمان دانشجوی علوم سیاسی در آلمان بود را یافت. از دید فتحی شقاقی این کتاب مانعیت جنبش اسلامی است. او گویی راهکار باری‌کننده‌اش برای تحلیل و دستیابی به دیدگاه را یافته است. از این رو ما این کتاب را

با شهید دکتر فتحی شقاقی در تابستان ۱۹۷۳ در منزل یکی از دوستان آشنا شدیم. آن زمان تازه دوره دبیرستان را به پایان رسانده و وارد دانشگاه الزقازیق شده بودیم. ما در آن زمان جزو اولین گروه‌های اخوان المسلمینی بودیم که در نوار غزه شکل گرفته بود. در این دوره شاهد فعالیت خاصی از سوی شیخ احمد یاسین (رحمت الله علیه) بود. با هم به مصر سفر کردیم و سه سال در یک دانشگاه و دانشکده، در یک خانه و یک هسته تشکیلاتی بودیم. او را از بسیار نزدیک شناختم و رابطه قوی و منحصر به فردی با او داشتم. رابطه‌ای که هرگز قابل تکرار نیست.

اسلام و فلسطین تا مغز استخوان در او نفوذ کرده بود. بسیار باهوش بود. شفاف و واضح پشتکار بسیار زیادی به خصوص در تحصیل داشت.

قدرت بسیار وسیعی در تحلیل، تأمل و فن بیان داشت. او در عین حال که توانایی بالایی در پرسیدن داشت، تواضع او کم نظیر بود. به نحوی که باعث شد برخی از آنانی که به پذیرش فشار، کرنش کردن و اطاعت بی‌چون و چرا عادت کرده بودند به شدت از شهید شقاقی در تنگنا قرار گیرند. به خصوص که پرسش‌ها و مجادله‌ها، همگی اکثراً حول محور جایگاه فلسطین در طرح اسلامی دور می‌زد. در دانشگاه راه تأمل، گفتگو، مناقشه و سعی در خوانش دورنمای آینده را در سایه پیگیری و تحلیل رخدادها

فعلی آغاز کرد. در آن دوره دانشگاه شاهد فعالیت‌های بی‌سابقه‌ای در این چارچوب بود و حلقه‌های پایان‌ناپذیری از گفتگو در رابطه با اسلام، فلسطین و امت اسلامی انجام می‌پذیرفت.

در روزنامه دیواری «الفرسان» که حاصل این گفتگوها بود، انجام گفتگوهای سازش، پیش‌بینی شد و همچنین اعلام شد که بعید نیست در صورتی که شرایط عرب‌ها به همین شکل باقی بماند به زودی تیم فوتبال «حابوعیل» تل‌آویو با «الزمالك» مصر بازی کند و گولدا ماییر صحنه را در تل‌آویو،

### شهرت شهید شقاقی

شهید فتحی شقاقی با توجه به فهم و درکی که از تاریخ و سیره نبوی داشت اعتقاد بسیار زیادی به نقش مردمی یا امت پیدا کرده بود و همواره رؤیای حضور گسترده مردم را در صحنه داشت.



از هر گونه خشونت، حل و فصل شود.

شقایی می‌افزاید: ما امید و اعتماد به نفس خود را هرگز از دست نمی‌دهیم. به خصوص که حق از آن ماست و پتانسیل قدرت را نیز در اختیار داریم. پس قدرت‌های انقلابی باید تجمع شده و صفوف خود را یکپارچه سازند. زیرا موارد مشترک موجود بین این قدرت‌ها هر قدر هم که شاخص‌های ایدئولوژیک آنها متعدد شود بسیار بزرگ و زیاد است. مهم‌تر بستر مشترک موجود بین ما که بزرگ‌تر از آنچه که ما تصور می‌کنیم است. این است که ما به یک امت واحد و وابستگی داشته و دشمن واحدی را که سرنوشت همه ما را تهدید می‌کند رو در روی خود داریم.



در رابطه با اعتماد به نفس، امید و پشتکار باید بگویم که زندگی فتحی شقایی از همان ابتدا شاهد این سه ویژگی بود و تا پایان عمرش هم دکتر فتحی شقایی این سه خصیصه را با خود به همراه داشت. به رغم جوانا امیدی و تیره و تاری که در منطقه حکمفرما بوده و هست، شقایی هرگز امید خود را از دست نداد. او با مدد گرفتن از دیدگاه و فهمی که از قرآن کریم و تاریخ و واقعیت‌ها گرفته بود آینده امت را در چارچوب‌های ثابت قدرت پیش‌بینی کرد. قدرتی که در هیچ شرایطی فنا پذیر نیست.

شقایی می‌گفت: این برتری (غربی اسرائیلی) و این سلطه‌گری مسأله‌ای استثنایی بوده و این صلحی که شاهد آن هستیم نمی‌تواند حیات چندانی داشته باشد. زیرا بر اساس موازین قدرت تحمیل شده استوار است. و می‌افزاید: آنها سعی می‌کنند شتر عربی را از سوراخ سوزن اسرائیلی عبور دهند. این صلح است که به دنبال آن هستند که صلحی زود گذر و ناشدنی.

«گزینه سازش چیزی جز یک توهم نیست و تنها وقت و توانمان را از بین می‌برد. سرایی است که برخی آن را آب تصور می‌کنند و هر گاه به آن برسید می‌بینید که چیزی در آن وجود ندارد.»

سلام بر روح طاهرش. سلام بر تمامی شهدای و مجاهدین و شریفانی که گام در راه پیامبران گذاردند. ■



فراوانی برای فعال کردن شعار دینی و مردمی از برگزاری نماز عید در مناطق روباز گرفته تا برگزاری مراسم احیای لیالی قدر در مسجد الاقصی داشت.

در آغاز انتفاضه مردمی در سال ۱۹۸۷ او بسیار خوشحال و خرسند شد. او در مورد آن گفت: انتفاضه مردمی در فلسطین همچنان ادامه دارد و مهمترین رخنه‌ای است که در عمق جبهه و حلقه محاصره دشمن ایجاد شده است. اگر به حال بازگردیم و بخواهیم موضع شهید فتحی شقایی را در رابطه با کنفرانس پاییز در آتاپولیس جستجو کنیم، به موضوع وی در رابطه با کنفرانس اسلوباز می‌گردیم. او در آن زمان در این رابطه گفت: هیچ کس از ما حق ندارد از زیر بنای این طرح تحت هیچ شرایطی برای فعالیت خود استفاده کرده و هیچ بهانه‌ای مانند تعدیل و بهبود آن یا سازندگی بر روی آنچه هست، قابل قبول نیست. من در این جامی گویم که برخی‌ها تصور می‌کنند که می‌توانند روی توافقنامه‌های اسلوباز یا در میان آن ویرانه‌ها به دنبال طرح ملی باشند. آنها در وهم و خیال به سر می‌برند. زیرا توافقنامه‌های مذکور در چارچوبی صهیونیست صرف قرار داشته و در قبضه اراده صهیونیست و موازنه قدرت صهیونیستی می‌باشند.

در رابطه با روابط فلسطینی عربی هم شهید در این رابطه بسیار شفاف و واضح بود. در مرحله شکستی که ملل و تمدنها در آن به سر می‌برند خاص بر عام غلبه کرده و انسان چنان به تخریب می‌پردازد که گویی به دنبال فرار و نجات جان خود یا محافظت از گردن خویش است. پس تا هر زمانی که انسان به خود فکر کند و مسأله را هم بر حسب خواسته‌های خود تعریف کند، پس هر چه را که به نفع خویش است به نفع مسأله فلسطین هم خواهد دانست. این جاست که با تلاش برای تحمیل خواسته‌های هر طرف روابط بین گروه‌ها وارد بحرانی حقیقی می‌شود. اما مسأله فلسطین در ذهن و فکر شهید شقایی بزرگ‌تر از همه افراد، گروه‌ها و حتی بزرگ‌تر از کل ملت فلسطین است. زیرا او فلسطین را ملک تمامی امت می‌دانست. ملک نسل‌های حاضر و آینده.

#### شیرین فتحی شقایی



**فتحی شقایی: هیچ کس از ما حق ندارد از زیر بنای طرح توافقنامه اسلوب تحت هیچ شرایطی برای فعالیت خود استفاده کرده و هیچ بهانه‌ای مانند تعدیل و بهبود آن یا سازندگی بر روی آنچه هست، قابل قبول نیست.**

از این رو برتر دانستن خواسته‌های خاص بر عام را یکی از نمادهای شکست و انحطاط توصیف می‌کرد. از این رو او به شدت به دنبال یافتن بسترهای مشترک بین تمامی طرف‌های قدرت مخالف طرح امپریالیستی، صهیونیستی و حل و فصل اختلافات داخلی آنها با استفاده از گفتگو بود. وی در این رابطه می‌گوید: رویارویی با دشمن خارجی، اولویت‌های مطلق خاص خود را دارد. از این رو اختلافات داخلی و ایدئولوژیک و سیاسی باید از طریق گفتگو و به دور